

مبانی روشهای مشاوره بالینی از منظر اسلام

محمدحسین شریفی نیا
عضو هیأت علمی پژوهشکده حوزه و دانشگاه

چکیده

هرچند مشاوره در مفهوم حرفه‌ای آن پدیده‌ای جدید است و به عنوان یکی از دستاوردهای دانش روان‌شناسی نوین و تمدن مغرب زمین در سده اخیر تلقی می‌شود، اما به مفهوم وسیع هدایت و راهنمایی انسانها و کمک خواستن از افراد صاحب نظر و خردمند همواره مورد تأکید اسلام و سیره معصومین(ع) بوده است.

اسلام به عنوان مکتبی جامع و همه‌جانبه‌نگر برای سلامتی روح و روان انسان اهمیتی فوق‌العاده قائل است. به همین جهت با ارائه برنامه‌ها و دستورات لازم تمهیدات لازم برای تحقق آن را فراهم نموده است، و اتفاقاً از همین زاویه است که می‌توان مسأله مشاوره و روان‌درمانی را از دیدگاه اسلام مورد بررسی و کنکاش قرار داد.

در این مقاله ضمن تبیین مفهوم مشاوره از نگاه روان‌شناسی معاصر و اسلام و بیان تفاوت‌های مفهومی مشاوره از این دو منظر، استدلال شده است که اسلام یک مکتب و نظریه مشاوره‌ای نیست بلکه نظام فکری، عقیدتی و رفتاری جامعی است که چارچوب‌های کلی زندگی انسان سالم را ترسیم کرده و راههای وصول به فلاح و سعادت نهایی را مشخص نموده است و امر مشاوره همچون سایر امور بشری باید اصول و روشهای خود را لااقل در جوامع اسلامی با اهداف، ارزشها و هنجارها، برنامه‌ها و تکالیف اعلام شده از سوی آن تطبیق دهد.

واژه‌های کلیدی: مشاوره اسلامی، مشاوره حرفه‌ای، روان‌درمانی، ویژگیهای مشاور، ارزشهای مراجع.

مقدمه

قبل از شروع بحث لازم است این نکته را خاطر نشان کنم که عنوان مبانی روشهای مشاوره از دیدگاه اسلام می تواند یکی از سه احتمال زیر را شامل شود:

الف) احتمال اول بررسی مبانی روشهای موجود مشاوره و روان درمانی از دیدگاه اسلام است؛ یعنی برای همین روشهایی که امروزه در روان شناسی بالینی برای بهبود بیماران و اصلاح رفتار و نگرش آنان مورد استفاده قرار می گیرد، مبانی دینی و عقیدتی فراهم گردد. طبیعی است که این احتمال متناسب با شأن اسلام به عنوان یک دین بزرگ الهی نیست، چرا که نباید دین وسیله ای برای توجیه روشهای متغیر و دائماً در حال دگرگونی یک رشته علمی قرار گیرد.

ب) احتمال دیگر ممکن است بر این پیش فرض استوار باشد که در اسلام روشهای خاصی برای مشاوره و روان درمانی مراجعین و بیماران روانی وجود دارد و این روشها مورد استفاده مسلمانان قرار داشته و در

۱. این جانب همیشه در مورد استفاده از یسوند اسلام به این مغنا که آنچه در پی می آید بیان کننده دیدگاه اسلام در آن موضوع خاص است، دغدغه و نگرانی داشته ام و در مجموع چنین بیانهایی را مناسب نمی دانم. زیرا به هر حال آنچه مطرح می شود ممکن است برداشت یک یا چند و یا حداکثر گروهی خاص درباره آن موضوع باشد و نمی توان به راحتی آن را بیان دیدگاه اسلام در باب آن موضوع دانست. بر همین اساس آنچه در این مقاله آمده است صرفاً دیدگاه نگارنده بر اساس شناخت محدود و ناقص وی از متون دینی است و نه منظر دین مقدس اسلام در این موضوع.

مجموعه‌ای مشخص تحت نام روشهای مشاوره دینی معلوم نظر محققان و صاحب نظران این فن است و حال ما می‌خواهیم با توجه به تحولات زمانه مجدداً آن روشها را صورت بندی نماییم و مبانی و اصول آن روشها را تدوین کنیم. این احتمال هم تا حدی مبالغه آمیز و دور از واقع بینی به نظر می‌رسد. چون لااقل تاکنون تکنیکها و راهبردهای عملی چنین روش ویژه‌ای به صورت مدون و مشخص معرفی نشده است و از چگونگی اثربخشی و مراحل اصلاح و ترمیم یک نابهنجاری به صورت تجربی موارد قابل توجهی گزارش نشده است.

ج) و احتمال آخر این که براساس منابع دینی و متون مقدس دین اسلام می‌توان، روشهای مشاوره و روان درمانی خاص و احیاناً متفاوت با روشهای موجود را تدوین و معرفی نمود. این احتمال قابل تأملی است که نگارنده به چند و چون آن پرداخته و احتمال وجود یا عدم وجود چنین روشهایی را مورد عطف نظر قرار داده است.

برهمن اساس در این مقاله ضمن تبیین مفهوم مشاوره از نگاه روان شناسی معاصر و اسلام و بیان تفاوتهای مفهومی مشاوره از این دو منظر، استدلال شده است که اسلام یک مکتب و نظریه مشاوره‌ای نیست بلکه نظام فکری، عقیدتی و رفتاری جامعی است که چارچوبهای کلی زندگی انسان سالم را ترسیم کرده و راههای وصول به فلاح و سعادت نهایی را مشخص نموده است و اصول و روشهای مشاوره همچون سایر امور بشری باید لااقل در جوامع اسلامی با اهداف، ارزشها و هنجارها، برنامه‌ها و تکالیف اسلامی سازگاری یابد.

بدین ترتیب روشن می‌شود که چرا باید مشاوره و روان‌درمانی از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار گیرد؛ تأکید اسلام بر مسأله مقدماتی و زیربنایی بهداشت و سلامت روانی انسانها و ارائه راهکارهای مناسب برای تحقق آن، لزوم توجه به غایات، هنجارها و وظایفی که اسلام برای بشر معین کرده است در تدوین نظریه درمانی و تنظیم روشهای مشاوره، وجود توصیه‌های ارزشمند و ارائه راهبردهای کارآمد مشاوره‌ای در کلام و مرام معصومین(ع) و اهمیت توجه به باورها، اعتقادات و ارزشهای دینی مراجعان در امر مشاوره و راهنمایی، پاره‌ای از دلایل پرداختن به این مهم از دیدگاه اسلام می‌باشند.

تعریف مشاوره حرفه‌ای

مشاوره در مفهوم جدید و حرفه‌ای آن ترجمه واژه انگلیسی Counseling از ماده Counsel به معنای پند، نصیحت، راهنمایی و پیشنهاد است. برای این مفهوم در اصطلاح تخصصی آن تعاریف فراوانی ارائه شده است. از آن جمله کمیته معیارهای حرفه‌ای انجمن روان‌شناسی آمریکا^۱ در سال ۱۹۸۱ حرفه مشاوره را با توجه به جنبه‌های عملی و قابلیت‌های اجرایی آن چنین تعریف می‌کند:

مشاوره یعنی کمک به مراجعین برای کسب مهارت‌های فردی - اجتماعی و تغییر و یا اصلاح این مهارتها، توسعه و پیشرفت سازگاری و افزایش قابلیت انطباق آنان با تمنیات و

1. American psychological Association, Committee on professional Standards.

خواستهای متنوع و متغیر زندگی، افزایش مهارت‌ها به منظور مقابله با مشکلات محیطی و بالاخره توسعه انواع قابلیت‌های آنان در حل مسائل، مشکلات و تصمیم‌گیریها (American

Psychologists Vol:36 pp.652-663)

هدف مشاوره از نظر A. P. A مساعدت و ایجاد تسهیلات لازم در انجام وظیفه و عملکرد مؤثری است که در جریان رشد و توسعه در طول زندگی و با تأکید بر جنبه‌های مثبت رشد و قابلیت انطباق فرد و آشنایی او با مسأله رشد و توسعه انجام می‌گیرد. به عقیده انجمن روانشناسان آمریکا مسائلی که موضوع مشاوره و راهنمایی قرار می‌گیرند عبارتند از: تعلیم و تربیت، انتخاب شغل، مسائل جنسی، ازدواج، مشکلات خانوادگی، روابط اجتماعی، بهداشت، كهولت و سالمندی و انواع معلولیت‌های جسمی - روانی. (American Psychologists Vol:36

pp.652-663)

همچنانکه ملاحظه می‌شود تعریف فوق یک تعریف کاربردی است که نحوه کار مشاور با مراجعین را بیان می‌کند. بر این اساس مشاور در کار با مراجع می‌کوشد در رابطه با مسائل و مشکلات و نیازهای او به پرسشهای شخصی وی پاسخ گوید. مثلاً ناتوانی و میزان عدم تأثیرگذاری فرد چه قدر است؟ مدارج و سطوح کارآیی و لیاقتی که او می‌تواند به آن دست یابد کدامند؟ چه مهارتهایی باید کسب کند؟ و چه رفتارهایی نیازمند تغییرند؟ چگونه نقش یا نقشهایی را که بعهده دارد به خوبی ایفا نماید؟ به چه ترتیب سطح انتظارات و امیدها، و وظایف محوله را با واقعیت‌های وجودی خویش سازگار

نماید؟

کرومبولتز^۱ (۱۹۶۵) معتقد است: «مشاوره از تمامی فعالیتهای اخلاقی تشکیل یافته است که در آن مشاور تعهد و تلاش می‌کند تا به مراجع کمک کند تا به آن دسته از رفتارهایی بپردازد که بتوانند به حل مشکلات و مسائل او منجر شوند» (به نقل از روان‌شناسی مشاوره، صفحه ۱۰). انجمن مشاوره ایران، مشاوره را فرایندی مبتنی بر یک رابطه‌ی یاورانه‌ی حضوری و تخصصی می‌داند که طی آن مشاور کارآمد با استفاده از دانش و مهارتهای ویژه خود امکان رشد، حمل مشکلات و تغییر مراجع یا مراجعان خود را فراهم می‌کند (انجمن مشاوره ایران، بیانیه مورخه ۱۳۷۷/۵/۵).

همچنان‌که از تعاریف فوق پیداست مشاوره در مفهوم حرفه‌ای آن زمینه‌ای نسبتاً جدید است که از عمر آن بیش از یکصد سال نمی‌گذرد و عمدتاً به عنوان یکی از دستاوردهای دانش روان‌شناسی نوین محسوب می‌شود که در پاسخ به نیاز روزافزون انسان معاصر برای انطباق و سازگاری بیشتر با شرایط پیچیده و دشوار زندگی در عصر حاکمیت تکنولوژی و صنعت بر انسان و طبیعت بوجود آمده است.

گفتن ندارد که این مفهوم با موعظه، نصیحت، مشورت و اندرزهای اخلاقی متفاوت است و شامل مجموعه‌ای از شیوه‌های متنوع و پیچیده برای کمک به افراد در انتخاب راه و عمل بر اساس آن، تغییر و تصحیح شناختها و نگرشها، آموزش راههای سازگاری با مشکلات هیجانی، افزایش مهارت ارتباطات مؤثر بین فردی و همچنین

1. Krumbaltz j. o.

یادگیری رفتارهای متناسب با شرایط و موقعیتهای دائماً در حال تغییر است تا در هزار توی مشکلات عصر جدید بتواند بر اساس تواناییها، امکانات و علایق خود بهترین انتخاب را اتخاذ نماید.

مفهوم مشورت در اسلام

کلمه مشورت و مشاوره که در تداول فارسی‌زبانان به کسر «واو» و «راء» تلفظ می‌شود ولی تلفظ صحیح آن مشاوره به فتح «واو» و «راء» است و ازهای عربی از ریشه شار، یشیر به معنای بیرون آوردن، آراستن و رأی زدن است (لغت‌نامه دهخدا، واژه مشاوره).

در قرآن مجموعاً سه بار کلمات هم خانواده آن ذکر شده است و به معنای توافق و هم‌رأیی، اهتمام به جلب نظر و رأی مردم در مسائل حکومتی و عاملی از مجموعه عوامل مؤثر در تشکیل یک جامعه سالم به کار رفته‌اند.

موارد مذکور به ترتیب عبارتند از:

الف) فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا... (بقره، آیه ۲۳۳).

اگر پدر و مادر با رضایت و مشورت یکدیگر تصمیم گرفتند کودک را از شیر بگیرند اشکالی به رأی آنان نیست. آیه فوق درباره چگونگی شیر دادن و از شیر گرفتن نوزادان و حقوق گوناگون و متقابلی که مادر، فرزند و پدر در این زمینه دارند، نازل شده و وظایف و حقوق هریک را مشخص می‌کند. یکی از این وظایف همفکری و توافق والدین با یکدیگر و مشورت با صاحب نظران برای از شیر گرفتن پیش از موعد طفل است (تفسیر راهنما، جلد ۲، صفحه ۱۳۷).

در این آیه مشاوره به معنای توافق و تراضی والدین است.

(ب) فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران، آیه ۱۵۹).

پس در سایه لطف و رحمت پروردگارت با آنان نرمخویی کردی و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند، پس از ایشان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در امور با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن که خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد.

این آیه ناظر به حوادث جنگ احد است که در آن افرادی که از جبهه جنگ گریخته بودند تقاضای بخشش داشتند و خداوند پس از اشاره به یکی از ویژگیهای اخلاقی پیامبر (نرمخویی) و ضمن فرمان به عفو و طلب رحمت برای آنان از پیامبر می‌خواهد که باز هم با آنها مشورت کند و رأی و نظر آنان را نادیده نگیرد. مفسران درباره علت امر به مشورت با وجود کمال عقل پیامبر (ص) و وحی آسمانی وجوه مختلفی را بیان داشته‌اند. از آن جمله فخر رازی در تفسیر کبیر یکی از وجوه ضرورت امر به مشورت را چنین توجیه می‌کند که گرچه عقل پیامبر از عقل همه مردم کامل‌تر است و علوم بشری نیز محدود است ولی بعید نیست که وجوهی از مصلحت به نظر کسی برسد و به نظر پیامبر (ص) نرسیده باشد (تفسیر کبیر، جلد ۵، ص ۶۹).

هریک از توجیهات مفسران در باب امر به مشورت در

آیه فوق را که بپذیریم، به هر حال مشورت در این آیه یک دستور حکومتی است. از این رو می‌بینیم پس از انجام مشورت و روشن شدن نتیجه هرگونه دودلی و پراکندگی باید کنار گذاشته شود و قاطعیت و تصمیم‌جانشین آن گردد.

(ج) وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (شوری، آیه ۳۸).

[مؤمنان کسانی هستند] که ندای پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می‌دارند و امورشان با مشورت سامان می‌پذیرد و از آنچه داده‌ایم انفاق می‌کنند.

دقت در آیات قبل از این آیه مبین این نکته است که خداوند ضمن توصیف مؤمنان به دو ویژگی مهم ایمان و توکل به هفت اصل عملی فرمان می‌دهد که می‌توان از آنها به عنوان ارکان یک جامعه سالم با حکومت صالح و قدرتمند نام برد. این اصول به ترتیبی که در قرآن آمده عبارتند از: اجتناب از گناهان، تسلط بر خود به هنگام خشم، پذیرش همه قوانین الهی از جان و دل، انجام امور و تصمیمات اجتماعی از طریق همفکری و مشورت، اقامه نماز، انفاق در راه خدا و ایستادگی در برابر ظلم و تجاوز.

بنابر مطالب پیش گفته به نظر می‌رسد که مفهوم شور و مشورت در قرآن کریم در معانی سه‌گانه توافق و هم‌رأیی، اهتمام به جلب نظر و رأی مردم در مسائل حکومتی و عاملی از مجموعه عوامل مؤثر در ایجاد انسانهای صالح و تشکیل جامعه سالم به کار رفته است.

در احادیث و روایات هم مشاوره عمدتاً به معنای گفتگو و تبادل نظر با افراد صاحب‌نظر و خردمند (نوی‌الرأی، عاقل) و استفاده از رأی و نظر آنان در تصمیم‌گیریهای

مهم و دشوار گرفته شده است. چند نمونه از این احادیث عبارتند از:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «الْمُشَاوَرَةُ حِصْنٌ مِنَ النَّدَامَةِ وَأَمْنٌ مِنَ الْمَلَامَةِ (نهج الفصاحة، حدیث ۳۰۹۵)؛ مشورت موجب پیشگیری از پشیمانی و ایمنی از سرزنش است». قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقَ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ (نهج الفصاحة، حدیث ۲۵۰۶)؛ هیچ پشتیبانی و تعاونی بهتر از مشورت نیست». قَالَ عَلِيُّ (ع): «مَا اسْتَنْبَطَ الصَّوَابُ بِمِثْلِ الْمُشَاوَرَةِ (شرح غررالحکم، جلد ۶، صفحه ۶۴)؛ جز با مشورت به راه درست نتوان رسید».

پیامبر اسلام (ص) در پاسخ به پرسشی در مورد چگونگی تصمیم‌گیری فرمودند: «الْعَزْمُ مُشَاوَرَةُ أَهْلِ الرَّأْيِ ثُمَّ اتِّبَاعِهِمْ» (تفسیر ابن‌کثیر، جلد ۱، صفحه ۴۲۰)؛ تصمیم‌گیری عبارت است از مشورت با متخصصین و صاحب‌نظران و پیروی از نظر ایشان.

دلایل بررسی مشاوره از دیدگاه اسلام

با تأمل در آیات و روایات فوق می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم مشورت و مشاوره از نظر قرآن کریم و دیگر منابع اسلامی، با مفهوم مشاوره و روان‌درمانی به معنای تخصصی و حرفه‌ای آن که امروزه مورد توجه و تأکید روان‌شناسان و مشاوران است - متفاوت است و نمی‌توان این دو را مترادف و دارای یک معنا دانست.

اما این بدان معنا نیست که نمی‌توان در باب رابطه مشاوره با اسلام سخن گفت و باید آنها را، دو مقوله کاملاً متفاوت و بیگانه از یکدیگر به حساب آورد؛ بلکه بالعکس دلایل مهمی وجود دارد که نشان می‌دهد پرداختن به این

بحث، لااقل در جوامع اسلامی امری کاملاً ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. پاره‌ای از این دلایل عبارتند از:

۱- تأکید اسلام بر بهداشت روانی و سلامت روح انسانها

هرچند مفهوم سلامت روح و به تعبیر قرآنی آن قلب سلیم (شعراء، آیه ۸۹) مفهومی ارزشی است ولی سلامت روانی به معنای روان‌شناختی آن پیش شرط و مقدمه تحقق قلب سلیم است. در قرآن کریم مفاهیم سه‌گانه، سکینه، حیات طیبه و قلب سلیم به نوعی به آرامش و سلامت روحی انسانها اشاره دارد. سکینه (از ماده سکون) به معنای آرام بودن دل و فقدان هرگونه اضطراب و نگرانی است. این واژه شش بار در قرآن ذکر شده است. از مجموع آیاتی که این واژه در آنها آمده است، می‌توان استنباط کرد که آرامش درونی و یا سکون و ثبات قلبی موهبتی الهی است که بر اثر ایمان به خداوند متعال و عمل صالح حاصل می‌شود (فتح، آیه ۴).

حیات طیبه یا زندگی پاکیزه و سرشار از آرامش، امنیت و رفاه و آسایش در مفهوم این جهانی آن یکی از اهداف اسلام در زندگی فردی و اجتماعی انسانهاست که با عمل صالح و نیکو به دست می‌آید (نحل، آیه ۹۷). ناگفته پیداست که حیات طیبه مسأله‌ای فراتر از بهداشت و سلامتی روانی افراد است و به ایجاد جامعه سالم نظر دارد ولی شکی نیست که رابطه جامعه سالم و انسانهای سالم رابطه‌ای تعاملی و متقابل است و بدون وجود حیات طیبه در زندگی فردی امکان فراهم آوردن آن در ابعاد اجتماعی میسر نیست.

قلب سلیم نزدیکترین مفهوم به سلامت روانی است

چون غالباً ماده قلب در فرهنگ دینی به معنای روح، روان و عقل به کار برده شده است و قلب سلیم یعنی قلبی (یا روح و روانی) که از هرگونه بیماری و انحراف اخلاقی و اعتقادی و رفتاری به دور باشد. (شعراء، آیه ۸۹ و صفات، آیه ۸۴).

بنابراین با وجود ارزش مدار بودن مفهوم سلامت روح و روان در اسلام و تفاوت آن با مفهوم بهداشت روانی موجود در ادبیات روان‌شناسی معاصر، ولی از آنجا که سلامت روانی مقدمه لازم و ضروری تأمین سلامت روح و نفس انسانی است، بهداشت روان نیز مورد توجه و تأکید خاص اسلام قرار گرفته است و برای تأمین آن در سطح فرد و جامعه توصیه‌ها و دستورات فراوانی از سوی معصومین (ع) ارائه شده است. بدیهی است که یکی از مهمترین راههای تأمین سلامت روانی انسانها در جامعه گسترش امر مشاوره و راهنمایی است.

۲- لزوم توجه به غایات، هنجارها و وظایف اسلامی در تدوین نظریه درمانی و کاربرد مشاوره در جوامع اسلامی.

اسلام به عنوان مکتبی خاص و همه‌جانبه‌نگر که ماهیت انسان، چگونگی رفتار او در این جهان و وظایف و سرنوشت وی از مباحث محوری آن به شمار می‌آیند و سعادت و رستگاری انسان و حرکت در مسیر کمال مطلق، هدف اساسی و نهایی آن می‌باشد برای سلامتی روح و روان انسان اهمیتی فوق‌العاده قائل است. به همین جهت برای هر مرحله از رشد و تکامل انسان برنامه‌ها و وظایف خاصی معین کرده است. تکالیف عبادی همچون نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جمعه و جماعات، ذکر و دعا و

توصیه‌های اخلاقی همچون رضا، توکل، ولایت، محبت، صلۀ رحم، حسن خلق، توجه به کانون خانواده، ازدواج سالم و... نمونه‌هایی از این وظایف و برنامه‌ها برای تأمین سلامت فردی و اجتماعی انسانهاست. توجه و عمل به این برنامه‌ها و تکالیف است که راه سعادت و کمال انسانی را هموار می‌کند و او را به سوی هدف نهایی انسانیت که از نظر قرآن *إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ* (فاطر، آیه ۳۵؛ نور، آیه ۲۴؛ آل عمران، آیه ۲۸ و...) *وَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ* (بقره، آیه ۱۵۶) است، رهنمون می‌سازد.

روشن است که هر نوع مشاوره و راهنمایی در جامعه دینی باید با لحاظ کردن این برنامه‌ها و وظایف صورت گیرد تا امکان وصول به اهداف غایی اسلام فراهم آید.

۳- ضرورت توجه به باورها، اعتقادات و ارزشهای دینی مراجعان

توجه به باورها، اعتقادات و ارزشهای مورد احترام مراجعان از اصول اولیه‌ای است که برای دستیابی به یک مشاوره مؤثر و تأثیرگذار باید مورد توجه مشاوران قرار گیرد. بحث از ارزشها بحث از چیزهایی است که مردم به آن معتقدند، از آن دفاع می‌کنند و در زندگی مهم تلقی می‌شوند. ارزشها علت رفتار مردم و حتی طرز فکر آنهاست، انگیزه افراد برای برنامه‌ریزی و عمل است. بنابراین باورها و ارزشهای انسان به زندگی او جهت می‌دهند و چگونگی رفتار وی را مشخص می‌سازند. از سوی دیگر اشخاصی که ارزشهای خود را نمی‌شناسند غالباً دچار رفتارهای بی‌معنا و بی‌ثمر، گمگشتگی نقش و بی‌هویتی و در نتیجه گرفتار تعارض و ناکامی‌اند.

درک ارزشهای مراجع از سوی مشاور می‌تواند تسهیل‌گر درک مشاور از رفتار، اهداف، تعارضها یا

سردرگمیهای مُراجع باشد و به همین ترتیب رعایت این ارزشها در دستورالعملها و روشهای ارائه شده از سوی وی می تواند تأثیر به سزایی در تسریع فرایند درمان و حل مشکلات داشته باشد.

علاوه بر این یکی از مشکلات کنونی سست شدن ارزشها و هنجارهای اخلاقی و دینی است که او را دچار پوچی، بی هدفی، اضطراب، بی هویتی و سرگشتگی نموده است. امروزه یکی از وظایف اصلی مشاوران تصریح ارزشها و تأکید بر نقش آن در اصلاح و حل مشکل مُراجع می باشد.

گیلرت ون در کتاب مشاوره در دنیای معقول (۱۹۶۳) می نویسد:

«دومین توافق نظر درباره ارزشها آن است که اینک بسیاری از روان شناسان ارزشها را مشکل محوری بسیاری از اشخاص دردمند می دانند. پنجاه سال قبل، ارزشها صریحاً تعریف شده بود و به نظر می رسید ناسازگاری حاد معلول نقض عمده آنها می باشد. درمان روانی عمدتاً عبارت بود از آزاد کردن فرد از احساس گناه شدید ناشی از سرپیچی از دستورات والدین و سایر ارزشها و هنجارهای جامعه، اما امروزه به نظر می رسد که تصویر تقریباً عکس آن شده است. شخص دچار مشکل، خود را بیش از گناهکار بودن، سرگشته می بیند. انتظارات اجتماعی متنوع تر، نامعین تر و سست تر شده اند. امروزه فرایندهای اجتماعی که موجب تثبیت شدید ارزشها می شوند تا حدی به خاطر نامنسجم تر بودن خانواده و جامعه، ضعیف تر شده اند. در نتیجه فرد احساس فقدان هدف و جهت می کند.

احساس بیگانگی بیشتری از دیگران و حتی خودش می‌نماید. احساس بی‌ارزشی و تردید نسبت به هویت خود، او را رنج می‌دهد. باید به خاطر خودش، منش یا کاراکتر خود را پیدا کند. وجود ارزشهای قوی و بنیادی است که فرد می‌تواند وجود شخص رضایت‌بخش را بر آن بنا کند.

بنابراین، تصریح ارزشها و شاید کسب ارزشهای تازه به صورت یکی از تکالیف عمده مشاوره در آمده است.

۴- وجود توصیه‌های ارزشمند و راه‌کارهای مؤثر مشاوره‌ای در کلام و مرام معصومین(ع) هرچند وظیفه و هدف اصلی پیامبران الهی و ائمه معصومین(ع) آوردن دانش و معرفت تجربی جدید نبوده است، بلکه رسالت اصلی آنان تبیین جهت درست زندگی برای رسیدن ابناء بشر به رشد، کمال و سعادت واقعی است ولی شکی نیست که مردم برای حل مشکلات تربیتی و دینی و کاهش فشارهای عاطفی و روحیشان همواره در زمان حیات معصومین(ع) به آنان مراجعه کرده و از آنها طلب راهنمایی و کمک می‌کرده‌اند. ایشان نیز با سعه صدر و روی گشاده پذیرای مردم بوده و برای درمان دردهای روحی و اختلافات رفتاری آنها، تناسب با شرایط و موقعیت فرد مراجعه‌کننده توصیه‌های ارزشمند و ثمربخشی می‌کردند که روان و رفتار آنها را متحول می‌ساخت، نمونه‌های در کتب سیره و تاریخ نقل شده است. هرچند نمی‌توان از این توصیه‌ها به عنوان نظریه‌های علم روان‌شناسی و روشهای کاربردی مشاوره در روان‌درمانگری یاد کرد اما بسیاری از آنها می‌تواند مبنای اندیشه و عمل مشاوران قرار گیرد به عنوان مثال ویژگیهای مشاوران از منظر معصومین(ع)

بدین قرار است:

۱-۴. ویژگیهای مشاور

بر اساس روایات اسلامی مشاور باید خردمند و صاحب نظر، آزاداندیش و دین محور، مهربان و دلسوز، رازدار و امین، دانشمند و دارای تجربه و پایبند به دستورالعملهای خویش باشد: قَالَ الصَّادِقُ (ع): «إِنَّ الْمَشُورَةَ لَا تَكُونُ إِلَّا بِحُدُودِهَا فَمَنْ عَرَفَهَا بِحُدُودِهَا وَإِلَّا كَانَتْ مَضْرِبَتَهَا عَلَى الْمُسْتَشِيرِ أَكْثَرَ مِنْ مَنْفَعَتِهَا لَهُ. فَأُولَئِكَ أَنْ يَكُونَ الَّذِي يُشَاوِرُهُ عَاقِلًا؛ وَالثَّانِيَّةُ: أَنْ يَكُونَ حُرًّا مُتَدَيِّنًا؛ وَالثَّلَاثَةُ: أَنْ يَكُونَ صَدِيقًا مُوَاخِيًا؛ وَالرَّابِعَةُ: أَنْ تَطَّلِعَهُ عَلَى سِرِّكَ فَيَكُونَ عِلْمُهُ بِهِ كَعِلْمِكَ بِنَفْسِكَ ثُمَّ يَسْتُرْ ذَلِكَ وَيَكْتُمُهُ؛ فَإِنَّهُ إِذَا كَانَ عَاقِلًا أَنْتَفَعْتَ بِمَشُورَتِهِ وَإِذَا كَانَ حُرًّا مُتَدَيِّنًا جَهَدَ نَفْسَهُ فِي النَّصِيحَةِ لَكَ وَإِذَا كَانَ صَدِيقًا مُوَاخِيًا كَتَمَ سِرِّكَ إِذَا اطَّلَعَتْهُ عَلَى سِرِّكَ وَإِذَا اطَّلَعَتْهُ عَلَى سِرِّكَ فَكَانَ عِلْمُهُ بِهِ كَعِلْمِكَ تَمَّتْ الْمَشُورَةُ وَكَمُلَتْ النَّصِيحَةُ» (بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۱۰۲ و جلد ۹۱، صفحه ۲۵۳).

شایسته نیست مشورت جز با رعایت حدود و شرایطش انجام پذیرد، چه در غیر این صورت زیان آن برای مشورت کننده بیش از منافع و سودش خواهد بود. این شرایط عبارتند از: خردمند و صاحب نظر باشد؛ ۲. آزاداندیش و دین محور باشد؛ ۳. نسبت به تو محبت و صمیمیت داشته باشد؛ ۴. هنگامی که راز تو بر وی آشکار گردید و آگاهی او به مسائل و مشکلات تو همانند خود تو گردید، آن را مکتوم و پوشیده نگهدارد. پس اگر مشاور خردمند و صاحب نظر باشد از مشاورهات با وی سودخواهی برد و اگر آزاداندیش و دین محور باشد،

تمامی تلاش خود را برای اصلاح و حل مشکل تو به کار خواهد بست و اگر نسبت به تو صمیمیت و دلسوزی داشته باشد رازی را که بر او گشوده‌ای، پنهان و مکتوم نگاه خواهد داشت و زمانی که او را بر راز خویش آگاه ساخته‌ای و آگاهی او نسبت به مشکل همانند آگاهی تو گردید، در این حالت مشورت کامل می‌شود و خیرخواهی به کمال می‌رسد.

قَالَ عَلِيُّ (ع): «خَيْرٌ مَنْ شَاوَرْتَ ذُو النُّهْيِ وَالْعِلْمِ وَأَوْلُوا التَّجَارِبِ وَالْحَزْمِ» (شرح غررالحکم، جلد ۳، صفحه ۴۲۸)؛ بهترین کسانی که شایسته مشورت کردن هستند خردمند بازدارنده و دانشمند متخصص و افراد دارای تجربه و دوراندیشی هستند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «الْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ فَإِنْ شَاءَ وَإِنْ شَاءَ سَكَتَ فَإِنْ أَشَارَ فَلْيُشِرْ بِمَا لَوْ نَزَلَ بِهِ فَعَلَهُ» (نهج الفصاحة، حدیث ۳۰۹۴)؛ مشاور امانتدار و رازدار است اگر خواهد رأی و نظر خود را اعلام کند و اگر بیان نظرش را به مصلحت ندانست خاموش بماند، ولی اگر خواست نظرش را بگوید همان را گوید که اگر خود او بود آن کار را می‌کرد.

۴-۲. اصولی که باید مشاور آنها را رعایت نماید

پاره‌ای از اصولی که مشاور در هنگام مشاوره باید آنها را رعایت نماید از نظر متون دینی عبارتند از:

۴-۲-۱. اگر مشاور مشکل مراجع را تشخیص و راه حل آن را در جهت رشد مراجع پیدا کرد به خاطر منافع شخصی اش او را عمداً به راه دیگری هدایت نکند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «مَنْ اسْتَشَارَ أَخَاهُ فَأَشَارَ عَلَيْهِ بِأَمْرٍ وَهُوَ يَرَى الرُّشْدَ غَيْرَ ذَلِكَ فَقَدْ خَانَهُ» (مسند احمد، جلد ۲،

صفحة ۳۶۵): کسی که برادر دینیش از او مشاوره و راهنمایی بطلبد و او در حالی که راه رشد و صلاح را می‌داند او را به راه دیگری راهنمایی کند قطعاً به او خیانت کرده است».

۲-۲-۴. مشاور در هر حال باید اصول، انصاف، بی‌طرفی و امانتداری را رعایت نماید.

قَالَ الصَّادِقُ (ع): «اعْلَمْ أَنَّ ضَارِبَ عَلِيٍّ (ع) بِالسَّيْفِ وَقَاتِلَهُ لَوْ اِنْتَمَنِي وَاسْتَنْصَحَنِي وَاسْتَشَارَنِي ثُمَّ قَبِلْتُ ذَلِكَ مِنْهُ لَأَدَيْتُ إِلَيْهِ الْأَمَانَةَ (تحف العقول، صفحه ۳۷۴): بدان اگر کسی که امیرالمؤمنین را به شمشیر ضربت زد و او را به شهادت رساند به من اعتماد نماید و علی (ع) مرا امین خود شمارد و از من پند خیرخواهانه و نظر مشورتی طلب نماید در صورتی که درخواست او را بپذیرم حتماً امانت را در این کار نسبت به او رعایت خواهم کرد».

۳-۲-۴. مشاور باید متعهدانه تمام توان و کوشش خود را در جهت تشخیص درست مشکل و ارائه راه‌حلهای صحیح بکار بندد.

قَالَ الصَّادِقُ (ع): «قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ: وَإِذَا اسْتَشْهَدُوكَ عَلَى الْحَقِّ، فَاشْهَدْ لَهُمْ وَاجْهَدْ رَأْيَكَ لَهُمْ إِذَا اسْتَشَارُوكَ. ثُمَّ لَا تَعَزِّمْ حَتَّى تَثْبُتَ وَتَنْظُرَ، وَلَا تُجِبْ فِي مَشُورَةٍ حَتَّى تَقُومَ فِيهَا وَتَقْعُدَ وَتَنَامَ وَتَأْكُلَ وَتُصَلَّ وَأَنْتَ مُسْتَعْمِلٌ فِكْرَكَ وَحِكْمَتِكَ فِي مَشُورَتِهِ. فَإِنَّ مَنْ لَمْ يَمَحِّصِ النَّصِيحَةَ لِمَنْ اسْتَشَارَهُ سَلَبَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَأْيَهُ وَنَزَعَ اللَّهُ عَنْهُ الْأَمَانَةَ؛ لقمان به پسرش می‌گفت: هرگاه از تو برای حقی شهادت خواستند پس شهادت بده و هرگاه با تو در کاری مشورت کردند و نظرت را خواستند کوشش فکری فراوانی کن تا نظر و رأی صحیح را بیابی. پس از آن فوراً

تصمیم به ارائه نظرت مگیر، مگر هنگامی که آن مسأله برای خودت کاملاً ثابت و قطعی شده باشد و در شکل مورد نظر، دقت کافی و وافی کرده باشی، نشسته باشی، خوابیده باشی، خورده باشی و نماز گزارده باشی در حالی که فکر و اندیشه حکیمانه خویش را در اطراف موضوع بکار گرفته و مستمراً در این مدت دریافتن راه حل درست-اندیشیده باشی. همانا کسی که خیرخواهی و نصیحت خود را برای کسی که با او مشورت می کند کاملاً خالص و بی شائبه نکرده باشد خداوند تبارک و تعالی رأی خویش را از او سلب می کند و امانت خویش را از او پس می گیرد.

۴-۲-۴. مشاور باید در صورتی که خود نمی تواند مشکل مراجع را حل نماید با کمال صراحت و صداقت او را به افراد صاحب نظر و متخصص مربوط ارجاع دهد.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع): وَ أَمَّا حَقُّ الْمُسْتَشِيرِ فَإِنَّ حَضْرَكَ لَهُ وَجْهٌ رَأَى جَهْدَتْ لَهُ فِي النَّصِيحَةِ وَأَشْرَتْ عَلَيْهِ بِمَا تَعْلَمُ إِنَّكَ لَوْ كُنْتَ مَكَانَهُ عَمَلْتَ بِهِ وَذَلِكَ لِيَكُنْ مِنْكَ فِي رَحْمَةٍ وَلَيْنَ فَإِنَّ اللَّيْنَ يُؤْنِسُ الْوَحْشَةَ وَإِنَّ الْعَلْظَ يُوحِشُ مَوْضِعَ الْأُنْسِ وَإِنْ لَمْ يَحْضُرْكَ لَهُ رَأْيٌ وَعَرَفْتَ لَهُ مَنْ تَثِقَ بِرَأْيِهِ وَتَرْضَى بِهِ لِنَفْسِكَ دَلَلْتَهُ عَلَيْهِ وَأَرْشَدْتَهُ إِلَيْهِ، فَكُنْتَ لَمْ تَأَلُهُ خَيْرًا وَلَمْ تَدَّخِرْهُ نُصْحًا» (تحف العقول، رساله الحقوق، حق ۳۹، صفحه ۲۶۹).

حق مشورت کننده این است که اگر رأی صحیحی داری در نصیحت و خیرخواهی اش بکوشی و کاری را که اگر تو بجای او بودی می کردی با مهربانی به او بنمایی. که نرمشی رمیدن را بزداید و خشونت رمیدن را بیفزاید، و اگر رأی و نظری نداری، او را نزد کسی که به رأیش اعتماد

داری و نظر او را برای خود می‌پسندی، معرفی کنی تا در خیرخواهی و نصیحتش کوتاهی و فروگذاری نکرده باشی.

نتیجه‌گیری

در این مجال کوتاه با بررسی اجمالی مفهوم مشاوره از نگاه دانش روان‌شناسی معاصر و متون مقدس دین اسلام (قرآن و احادیث) این نکته روشن گردید که این مفهوم از این دو منظر بیشتر اشتراک لفظی دارد تا مترادف مفهومی. به عبارت دیگر به دلایل متعدد نمی‌توان مفهوم مشورت و مشاوره‌ای که در آیات قرآن و احادیث ائمه معصومین (ع) به آن اشاره شده است را با مشاوره تخصصی و حرفه‌ای که امروزه در ادبیات روان‌شناسی آن را تعریف می‌کنند، یکی دانست. هرچند ممکن است مفهوم مشورت در منابع دینی را چنان عام و فراگیر فرض کرد که مشاوره و روان‌درمانی حرفه‌ای را نیز دربرگیرد، ولی اولاً اثبات چنین فرضی نیازمند دلایل کافی، مقنع و قابل دفاع است، ثانیاً حتی اگر چنین دلایلی اقامه شوند، عمومیت بیش از حد مفهوم مشورت در متون دینی امکان اختصاص آن به مشاوره و روان‌درمانی کنونی را دشوار می‌سازد.

در مورد روشهای مشاوره اسلامی هم ناگفته پیداست که برای ارائه روشهای کاربردی مشاوره نیازمند نظریه‌ای مدون در باب مشاوره و روان‌درمانی هستیم که آن نیز به نوبه خود مبتنی بر پیش‌نیازها و مؤلفه‌هایی

۱. برای توضیح بیشتر در این باب مراجعه شود به مضاحبه استجانت در کتات گزارش علمی مشاوره اسلامی، نشستها و مصاحبه‌ها.

است که مهمترین آنها عبارتند از: داشتن دیدگاهی مشخص در باب ماهیت انسان، وجود نظریه‌ای در باب ساختار شخصیت و چگونگی رشد آن، تعریف رفتار نابهنجار و تبیین علل آن، بیان چگونگی اثربخشی فرایند مشاوره و مراحل اصلاح و ترمیم نابهنجاری و ارائه راهبردهای عملی برای کمک به مراجع.

به گمان نگارنده اسلام در باب پیش‌نیاز اول یعنی تبیین ماهیت انسان دارای مبانی روشن و مشخصی است و ویژگی‌هایی چون داشتن دو بعد مادی و روحانی، تشریف به روح الهی، هدفداری، تعقل، اراده و اختیار، خودآگاهی و مسئولیت‌پذیری، کرامت انسان و جانشینی خدا در زمین، داشتن گرایش‌های عالی معنوی و کشش‌های غریزی حیوانی و میل به کمال‌نهایی و خیرمطلق از مفاهیم اساسی انسان‌شناسی اسلام به شمار می‌آیند. در مورد پیش‌نیاز دوم یعنی تدوین نظریه‌ای در باب ساختار شخصیت و چگونگی رشد آن کاستی به چشم می‌خورد و با وجود تلاش‌هایی که عمدتاً در دو دهه اخیر در این عرصه صورت پذیرفته است، هنوز نظریه‌ای که در مجامع علمی قابل دفاع باشد، ارائه نشده است. در زمینه ماهیت رفتار نابهنجار و تبیین علل آن نیز دیدگاه اسلام، با آنچه روان‌شناسی علمی کنونی به آن نظر دارد یکسره متفاوت است و اساساً نمی‌توان آنها را در یک مقوله قرار داد. زیرا هرچند تعریف نابهنجاری یکی از چالش‌های دشوار روان‌شناسی معاصر است و به خاطر عدم وجود اتفاق نظر روان‌شناسان معاصر در باب ویژگی‌های انسان سالم و معیارهای سلامت روانی یا به عبارت دیگر عدم وجود الگوی مناسب و مدل ایده‌آل از انسان سالم در

فرهنگ غرب، صاحب نظران نتوانسته‌اند به توافقی اصولی در این باب دست یابند. اما وجه مشترک همه دیدگاه‌های موجود تأکید بر سلامت روانی به معنای فراهم آوردن امکان سازگاری هرچه بیشتر با محیط و استفاده از همه تواناییها و استعداد‌های فردی به منظور کسب حداکثر بهره‌مندی از لذت، آرامش و امید به آینده است؛ در حالی که از نظر اسلام هدف، سعادت و کمال مستمر انسان و رسیدن به مقام رضایت و قرب الهی است؛ هرچند در این راه فرد دچار مشکلات، رنجها، کاستیها و ناسازگاریهایی نیز شود. به همین جهت از نظر اسلام نابهنجاری روانی یا بیماری دل عبارت است از هر رفتار یا حالتی که فرد را از خداوند دور و او را به سوی باطل و پیروی از هوای نفس سوق دهد. چنین است که از نظر قرآن مشرکین و منافقین دو گروهی هستند که بیش از همه دچار بیماری دل‌اند (بقره، آیات ۶ تا ۱۳؛ انفال، آیه ۴۹؛ توبه، آیه ۱۲۵؛ حج، آیه ۵۳؛ احزاب، آیه ۶۰؛ مدثر، آیه ۷۴ و...).

در باب چگونگی اثربخشی فرایند مشاوره و مراحل اصلاح و ترمیم نابهنجاری براساس روشها و راهبردهای دینی نیز هیچ پژوهش و منبع قابل استنادی وجود ندارد و بالاخره درباره آخرین مؤلفه باید گفت علیرغم وجود پاره‌ای از راهبردهای مشاوره‌ای در کلام معصومین (ع) مجموعه این نمونه‌ها و موارد آنقدر زیاد و منسجم نیستند که بتوان براساس آن روشهای درمانی خاصی را برای کمک به مراجعین پیشنهاد کرد.

منابع فارسی

- قرآن مجید.